



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۲/۲۰

محمدآصف فقیری

آیا شیطانی، ماقبل ابلیس بود، که ابلیس را شیطان و یا نفرین کرد؟

جواب که: نفس، خودنمای غرور، تکبر.....! پیش از نفرین شدن خودنمای و تکبر از کجا نیرو گرفت؟

شرح - والقدر خیره و شره:

ازل دیروز دنیایی نیست و یوم الدین هم، فردای چون امروزی و خواجه بهاء الدین نقشبندی قدس الله سره العزیز، نیت بسوی اراده را، عالم امر گفته است. که درک و عمق عالم امر عبارت از چیستی دین می باشد.

عالم امر چیست؟

در سوره کف خداوند گفت که بگو: الروح من امری ربی.... مفهوم عمیق آن: یعنی روح در امر رب ماست که هرطرف بسوی خیر و شر مدیریت می کند آن مدبر عالی، که برگ بی اراده او به زمین نمی آید. که قبلاً چیستی دین را: سیر ایمان اجمالی بسوی تفسیری که شامل سه مرحله می باشد، گفتیم: علم الیقین عین الیقین و حق الیقین... علم الیقین که همه ادیان دارند مانند: متون مقدس و تفاسیر آن و عین الیقین عبارت از استدلال های عقلی که به چشم عقل صدق آید در روح که به باور همه قرآن از ادیان گذشته کرده با استدلال متوازن است. چون مخاطبش عقلست.

اما حق الیقین: چشم دل و سر و یا تلفیق از عین الیقین و حق الیقین با چشم دل دیدن...

حق الیقین ایمانیست که: از کثرت ذکر الله توسط روح و یا قلب نه زبان همانا اذکار خفیه نقشبندیه پدیداری آن مانند: مثنوی و کشف الاسرار خواجه عبدالله انصاری رحمت الله علیه و غیره ... می باشد. برای درک آن این سوال: متون اولیه یا نوشته اولیه قرآن در موزیم های جهانی موجود بوده، اما این نوشته ها در جملات و جملات در کلمات و کلمات در حروف و حروف سمبول های ساخته خود انسان می باشد برای ارتباط، یعنی: اگر نبی اکرم صلوات علیه عرب نمی بود، قرآن به یکی از زبان های دیگر دنیا می بود - سوال اینجاست مبانی قرآن که اکنون در متن است در وجود آنجناب چگونه بود؟ در جواب که: معنی جوهرست نه حروف و قرآن عقل کل به جز یعنی انسان و انسان نی یا روح که از نیستان همانا خدا جدا شده طبق قرآن: و نفخت فیه من روحی... و دوباره وصل می شویم چون: انالله و انا الیه راجعون... یعنی چهارده صحیفه و چهار کتاب در قرآن خلاصه شده و قرآن در سوره فاتحه و سوره فاتحه در بسم الله و منظور از الله اسم ذات و این اسم ذات در سینه عارف مبداء علم لئن و نگهداری از کلام خود را که خداوند وعده داده است بواسطه اهل الله یعنی محبین و عارفین نه قتل و گشتار که در افغانستان انجام دادند و مدعی شدند که دین خدارا پاسبانی کرده ایم - خودتانرا نگه کنید که طعمه استخبارت نشوید.

بیت:

مخترع بیشعورست آخذ و ملاما

بی بنای قیامت دوزخ کرد وطن ما

(فقیری)

د پانوی شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پزوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ

بیشتر در مبحث خیر و شر از مبانی حضور:

حضور روح دین است در نماز یکی از فرایض و برجسته کردن حضور را تا درک کنیم، نماز شاه اولیا که در پای مبارک شان تیر بند بود و به طیبیان یا یاران گفت: همینکه در نماز شدم تیر را بیرون کنید. زمانیکه از نماز فارغ شد، دید طیبیان بیکار اند و دوبار گفت چرا بیکارید؟ گفتند: یا شاه اولیا زخم را هم دوختیم یعنی چنان محوی جانان در نماز شدند که درد بیرون شدن تیر و دوختن را حس نکردند...

حضور و اراده:

افلاطون: کشتی در بحر در مقابل طوفان و کسیکه فرمان را در دست دارد همانا ناخدا در حالت مبارزه با طوفان که طوفان هم از قبل پیش بینی نبوده فقط هنر و زبردستی فردی اینجا جواب می دهد نه قوانین در کتاب که حاکمست بالای گشتی....

در مثال افلاطون جوهر استعداد و زکات را برجسته کردیم، که اگر دین فاقد روحش همانا حضور یعنی معدن استعداد و زکات که با استعداد ذاتی انسان وحدت می شود و وحدت الوجود هم خادم شریعت، در مقابل- نیهیلیست یا پوچ گرایی که استخبارات های جهانی خیلی زیبا بیشتر از قرن می شود از آن، در کشور ما مستفید اند.

در نتیجه:

سعید و جامعه سعادت مند وصل حق از مبانی عقل و روح و سیر در عمق قرآن در مقابل نقل و پوچ گرایی و عقب ماندگی نفرین حق ...

یعنی:

انسان اراده آزاد + عمل از حضور = خیر

اراده آزاد + منفی شیطانی = شر

که: فوق اراده و قدرت بالای عقلی روحی در حب یا عشق وحدت الوجودی بوده همانا حضور، که اگر در متن بیرون شود این متن دوباره نقلست. زیرا آن حضور بستگی به اراده آزاد فردی هرکس دارد. و هرکس قدر استعداد خود، یعنی نظم عارفانه که فیض می دهد آن وجود و هستی خودت مقدم و عارف ماقبل محرکه توست نه تمامی، پس درک این بینش از هستی = تصرف زمان و مدیریت زمان در حیطه بلوغ و پختگی انسانی می باشد.

نوت: مبارزه و جهاد مردمی دیروز، امروز و فردا ستودنی بوده که رهبران جهادی و ملاها هستند و بودند که در مقابل حقوق مردم افغانستان به بدترین حالات معامله کردند.

یادداشت و جواب اینکه: چرا ماقبل ابلیس شیطانی نبوده یعنی نیرو نفرین ماقبل نبود که ابلیس را شیطان کند پس نیروی بود از امر الهی، زیرا نیرو منفی هم از جناب قادر به شیطان داده شده و جواب قانع کننده بقدر ظرف دریافت کننده: هدف عشق یا حب بوده و مباحث شیطانی و انسانی که او خود را ببیند در آدم- این حالت وحدت الوجودی فوق دو دنیا مخلوق لذت حقیقی دارد، که بندگی و معرفت شتابی بسوی عشق بی پایان می باشد، و مرکز جذب نیست مگر دل همانا قلب که در سینه انسانی موجودست - در قلب محبین در ازل در زمره حبیب داغ و یا درد دیدار داده شده و این اذکار همه تجلاء و دریا های معنی و یا طوفان معنی در جودست....

گردش چشم ساقی بر امواج دل!

ای دل بیا با همدل، دمی سماع کنیم

کز نشه می، جام هستی تماشاء کنیم

بصد راز و رمز، گفته اند آن طلسم
بگردش چشم ساقی، یک بیک بینا کنیم
ما مست عشق بودیم و غافل اندر راز
که مکشف آنیم، چو وجودی بناء کنیم
نه مدعی فاعلیم، اندر افعال روزگار
کاندر مزرعه وحدت، این گل بو کنیم
رفتن ببال عشق، چو رسید بمقصد
مقصد نرسیدن، به بقاء خود فنا کنیم
تصویر اشیاء و موجش مجاز هستی
عمق بینش زگوهر، جابجاء کنیم
ما نبودیم میان و ساقی بکام کرد زبان
سمع دل به بزمش، پرواز مهیاء کنیم
فقیری سراپا گوش و مراقب بحضور
زاوست یاره او، کز تلفیقش ادعا کنیم
فقیری